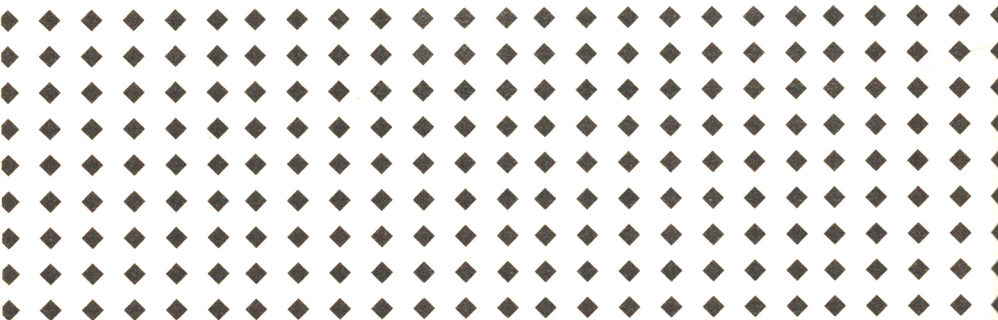


درس این قرن

همراه بادوگفتار

درباره آزادی و حکومت دموکراتیک



گفتگوی جیانکارلو بوزتی با کارل پوپر

ترجمه علی پایا

فهرست

- ۷ □ یادداشت مترجم
۲۵ □ مقدمه

گفتگوی اول (۱۹۹۱)

- ۳۳ ۱. صلح‌طلبی، جنگ، و مواجهه با کمونیسم
۵۲ ۲. انتقادهای اصلی به مارکسیسم
۵۶ ۳. سال ۱۹۶۲: ساخاروف، خروشچف و سقوط شوروی
۶۹ ۴. برنامه سیاسی روز، حکومت قانون و کودکان
۸۳ ۵. حمله‌ای دیگر به تاریخگرایی: آینده باز است

گفتگوی دوم (۱۹۹۳)

- ۹۱ مقدمه فصل ۶
۹۳ ۶. ما با خطر سومین جنگ جهانی مواجهیم
۱۰۰ مقدمه فصل ۷
۱۰۲ ۷. تلویزیون نسل بشر را فاسد می‌کند: این وضع به سان یک جنگ است

دوگفتار

- ۱۰۹ ۸. تأملاتی درباره نظریه و عمل حکومت دمکراتیک
۱۳۴ ۹. آزادی و مسؤولیت روشنفکری

ضمائم

- ضمیمه اول: توضیح پاپر در باب دمکراسی و نظام انتخاباتی «کرسی
۱۵۱ به نسبت آراء»
□ ضمیمه دوم: دو یادداشت تازه پاپر در زندگینامه روشنفکری خویش
۱۶۷
□ فهرست اعلام
۱۷۱

مقدمه

در یکی از لحظات برگزاری این گفتگو، هنگامی که جلسه کار روزانه ما با کارل پاپر، در خانه وی واقع در کنلی (Kenley)، شهرک کوچکی در منطقه ساری (Surrey) به فاصله یک ساعت راه از لندن، به نیمه رسیده بود، وی همان طور که سرگرم بیان بن مایه نقد خود از مارکسیسم بود از پشت میز برخاست و از من خواست که با او به اتاق نشیمن که به کتابخانه‌ای مبدل شده بود بیایم. ما از کنار یک پیانوی بزرگ که تقریباً همه سطح آن با کتاب پوشیده شده بود گذر کردیم. برخی از این کتابها هنوز باز بودند و کتابهای سنگین تر بر روی تکیه گاههای فلزی قرار داده شده بودند. من با کنجکاوی به کتابهایی که این سو و آن سو پراکنده بودند (کتابهایی مثل فلاسفه پیش از سقراط، زندگی‌نامه دالایی لاما، و بحران موشکی کوبا) نگاهی انداختم تا ببینم موضوعی که او مشغول کار بر روی آن است چیست. اما پاپر بازوی مرا گرفت و به انتهای اتاق، نزدیک قفسه‌هایی که به کتابهای مارکس اختصاص داده شده بود، هدایت کرد. در این قفسه‌ها بسیاری از طبع‌های قرن نوزدهم آثار مارکس به انگلیسی و آلمانی که جلد زرکوب داشت جای داده شده بودند. این قسمت قدیمی‌ترین بخش کتابخانه به‌شمار می‌آمد و در مقابل جایی قرار داشت که فیلسوف ۸۹ ساله نسخه‌هایی از ترجمه آثار خود را به زبانهای مختلف نگاهداری می‌کرد. او به من نسخه‌هایی از سرمایه (Capital) را نشان داد که از ۱۷ سالگی بر روی آنها کار می‌کرده است. اما برای نشان دادن آنها نبود که میز کار را ترک کرده بودیم. کتاب بعدی که او از قفسه بیرون آورد کوچکتر و کم‌حجم‌تر بود: نسخه انگلیسی فقر فلسفه (The Poverty of Philosophy) چاپ سال ۱۹۱۳. او که

می دانست دقیقاً به دنبال چه چیزی می گردد، به سرعت صفحات کتاب را ورق زد و آنگاه صفحه ۱۱۷ را به من نشان داد، و گفت: «بین اینجا چه می گوید» او سپس یکی از آخرین عباراتی را که مارکس در سال ۱۸۴۷ به عنوان یک قطعه جدلی علیه کتاب فلسفه فقر (*Philosophy of Poverty*) پرودون^۱ (چاپ ۱۸۴۶ پاریس) منتشر ساخته بود، قرائت کرد. موضوع درباره «رهاسازی طبقه ستمکش»، یا پرولتاریا بود که «بالضرورة به خلق یک جامعه جدید منجر می شود». برای آنکه چنین امری تحقق یابد: ضروری است که نیروهای مولد که پیشاپیش تحصیل شده اند و روابط اجتماعی موجود، دیگر قادر به ادامه زیست در کنار یکدیگر نباشند... سازماندهی عناصر انقلابی به عنوان یک طبقه، مسبق به وجود همه نیروهای مولدی است که می تواند در بطن جامعه قدیمی رشد کند.

اما قصد پاپر از ذکر این عبارت مشهور، که مفهوم «انقلاب تمام عیار» را بیان می کرد و پایان همه منازعات را صلا می زد، تأکید بر یک نکته دقیق بود - گویی که وی در آن یک بارقه افشاکننده می دید، پرسشی مهم که برای یک لحظه در ذهن مارکس پدید آمده بود و قادر بود همه بنای نظری او را درهم فرو ریزد. پاپر بعد از این سه سطر را قرائت کرد: «آیا این امر بدین معناست که پس از سقوط جامعه قدیمی، طبقه مسلط تازه ای به وجود خواهد آمد و به یک قدرت تازه طبقاتی منتهی خواهد شد؟»

این پرسش احتمالاً حاوی بن مایه مسأله کمونیسم است، یعنی این مسأله که خود اندیشه پایان دادن به همه منازعات اجتماعی و اقتصادی، با دموکراسی، با حق آزادی مخالفت و همه آنچه که از آن منتج می شود، ناسازگار از کار درآمد. اما مارکس پس از علامت سؤال، صرفاً پاسخ داده است: «نه». پاپر گفت: «می بینی، او با

۱. Pierre Joseph Proudhon (۱۸۰۹-۶۵) سوسیالیست و متأله معروف فرانسوی. پرودون با نگارش جزوهای تحت عنوان «مالکیت یعنی دزدی» شهرتی عالمگیر پیدا کرد. پرودون پایبند به اصول اخلاقی بود و ایمان محکمی به آزادی داشت و اختلاف عقیده او با سن سیمون، فنوریه و به ویژه مارکس از همین اعتقادات او نشأت می گرفت. پرودون که از خانواده یهودی برخاسته بود، زندگی را با گاوچرانی و حرفه چینی و ویراستاری شروع کرد و به بالاترین مدارج دانش زمان خویش دست یافت. پرودون در کتاب فلسفه فقر *la Philosophie de la misère* کوشید تا جنبه های نادرست و غیرانسانی سرمایه داری را نشان دهد. مارکس در پاسخ به فلسفه فقر پرودون، در تابستان ۱۸۴۷ کتاب فقر فلسفه *la Misère de la Philosophie* را به زبان فرانسه منتشر کرد و با تأدی او را بورژوا و خیال پرداز و... خواند و جهان بینی او را متافیزیکی دانست. (م.غ.)

مسأله ای تا این حد از اهمیت، تنها با طرح سرسری یک پرسش برخورد می کند و تازه بعد چه می کند؟ می گوید «نه» - بی آنکه هیچ تبیینی ارائه دهد، بی آنکه (آن طور که از او انتظار می رود) حتی تلاش کند که نشان دهد که چرا، و روشن سازد که مبنای چنین پیش بینی مطمئنی چیست. ما اینک می دانیم که پاسخ مارکس نادرست از کار درآمده است.

پاپر یکی از مخالفان بزرگ مارکس و کمونیسم، و مخالف هر نوع دعوی بود که یک تحقیق سیاسی را بر بنیاد معرفت نسبت به قوانین تاریخ استوار ساخته باشد. او در مقام یک نظریه پرداز جامعه باز، رویدادهای سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ را به مثابه تأیید انتقادات اصلی و مهم خود از مارکسیسم تلقی می کرد. پاپر نخستین بار در سال ۱۹۱۹، در هفده سالگی، اقدام به صورتبندی این انتقادات کرده بود: پس از یک دوره کوتاه که طی آن ایدئولوژی کمونیسم - که به برکت برنامه صلح بلشویک ها^۱ طرفداران زیادی به دست آورده بود - وی را به «تله» انداخته بود. او در کتاب حاضر از این مرحله زندگی خود سخن گفته است و این مطلب آنچه را او به چاپ تازه زندگینامه اش افزوده، تکمیل می کند. انتقادات پاپر قبلاً به طور مبسوط در کتاب جامعه باز و دشمنان آن^۲ که نخستین بار به سال ۱۹۴۵ به چاپ رسید، درج شده است. اما فایده دیدگاههای سیاسی کنونی پاپر صرفاً در بازنگری به نکات اصلی نقد او از مارکسیسم نهفته نیست، گفتگوی من با او عمدتاً دو دلیل داشت: یکی به تاریخ مربوط بود و دیگری به نظریه سیاسی.

دلیل اول مرتبط با پرسشی است که من از ۱۹۸۹ در نظر داشتم با فیلسوفی در میان گذارم که کمونیسم مارکسیستی را اندکی بعد از انقلاب اکتبر در قالب استدلالاتی مورد نقد قرار داد که اینک عملاً در سرتاسر طیف گسترده اندیشه سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است. رژیم کمونیستی در دوره جوانی پاپر،

۱. مقصود تبلیغات صلح خواهانه دولتمردان حکومت تازه تأسیس روسیه شوروی در مذاکرات مربوط به عهدنامه های برست-لینوفسک است. نگاه کنید به پانوش شماره ۱، صفحه ۴۶. (م.غ.)
۲. نگاه کنید به ویرایش تازه کتاب پاپر *Unended Quest*, London: Routledge 1992. ترجمه دو یادداشت تازه و کوتاه پاپر به این ویرایش تازه، در بخش ضمیمه درج شده است.
۳. ترجمه فارسی این اثر به قلم آقای عزت الله فولادوند، به وسیله انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است. (م)

صلح طلبی، جنگ، و مواجهه با کمونیسم

فکر می‌کنم می‌باید این گفتگو را با یک نکته اساسی آغاز کنیم، یعنی با نقد شما از مارکسیسم که آن را به تفصیل در مهمترین کتابتان جامعه‌باز و دشمنان آن بازگو کرده‌اید. می‌توانید توضیح دهید چگونه و چه زمانی بن‌مایه این نقد در ذهن شما شکل گرفت، و چگونه و چه زمانی به ضرورت آن حمله به «پیامبران دروغین»، از افلاطون تا مارکس از طریق هگل، که به نحو نظام‌مندی در آن کتاب طبع شده به سال ۱۹۴۵ مطرح ساخته‌اید، اعتقاد پیدا کرده‌اید؟

این سؤال شما، مرا به واقع به زمان بسیار دوری در گذشته، به ژوئیه ۱۹۱۹ و هنگامی که هنوز به ۱۷ سالگی نرسیده بودم، باز می‌گرداند. البته من به سرعت به موضعی که در جامعه‌باز بحث کرده‌ام دست نیافتم؛ اما پیش از سالگرد هفده سالگیم بود که تصمیم گرفتم رویکرد خود را نسبت به مارکسیسم با نگاهی نقادانه مورد تجدید نظر قرار دهم. و در زمانی نه‌چندان طولانی بعد از این تاریخ، در فوریه ۱۹۲۰، به جوهره موضعی دست یافتم که در همه زندگی سرگرم تکمیل آن بوده‌ام. بنابراین همان‌طور که می‌بینید مطلب متعلق به خیلی وقت پیش است. و باید بگویم که امروز شمار بسیار

کمی از افراد این چیزها را به یاد می آورند. زمان این ماجرا اندکی بعد از نخستین جنگ جهانی بوده است.

برخورد شما در قبال جنگ چه بود؟

من در دوره کودکی، قبل از نخستین جنگ جهانی، یک صلح طلب بودم. والدین من هر دو صلح طلب بودند: پدرم مقالاتی درباره صلح طلبی در کتابخانه خود داشت و به شدت با نظامی گری اتریش مخالف بود. وقتی جنگ شروع شد، من از اینکه می دیدم بسیاری از کسانی که در اطراف ما بودند - دوستان خانوادگی و دیگران - ۱۸۰ درجه تغییر موضع داده اند و طرفدار جنگ شده اند، به وحشت افتادم و نگران شدم. ما در اواخر ژوئیه ۱۹۱۴ در تعطیلات به سر می بردیم و پدرم از وین نامه ای برایم فرستاد که در آن نوشته بود: «متأسفانه» - این کلمه ای بود که او به کار برده بود - «متأسفانه» چون به زودی جنگ خواهد شد، او نمی تواند به دیدن ما بیاید. نامه چند روز قبل از سالروز تولد من نوشته شده بود - و تا آنجا که به یاد می آورم - جنگ در واقع در سالروز تولد من آغاز شد. اندکی بعد به وین بازگشتم، و در آنجا همه در مدرسه از جنگ طرفداری می کردند.

آیا شما نیز تحت تأثیر این جو قرار گرفتید؟

من کاملاً از تأثیر آن برکنار نبودم. جو اندکی بر من تأثیر گذاشت، اما صرفاً تا این حد که امیدوار بودم به سرعت صلح برقرار شود، البته صلحی که در آن دول مرکزی^۱ به پیروزی رسیده باشند. اما در عین حال، برخلاف بسیاری دیگر از مردم، به چیزی مثل یک پیروزی واقعی فکر نمی کردم.

۱. Central Powers عنوان سه کشور آلمان، اتریش-مجارستان و ایتالیا پس از اعلام همبستگی آنان در اتحاد مثلث در سال ۱۸۸۲. پس از خروج ایتالیا از این پیمان در سال ۱۹۱۴ تنها دولت های اتریش-مجارستان و آلمان به این نام خوانده می شدند. (غ.م.)

آیا واقعاً حافظه شما یاری می دهد که تصویر روشنی از آنچه در آن زمان راجع به جنگ می اندیشیدید به خاطر بیاورید؟

من همه آن چیزها را به یاد می آورم به این دلیل که در آن هنگام شعری درباره جنگ سرودم که هنوز چندبیتی از آن را به خاطر دارم. این قطعه «بزرگداشت صلح»^۱ نام داشت، و در آن گفته بودم که دشمنان همگی به سرزمینشان بازگشته اند و اکنون صلح برقرار شده است. در این شعر هیچ چیز در این خصوص که صلح یک پیروزی بوده، یا چیزی از این دست، گفته نشده بود. اما این را نیز به یاد می آورم که این شعر در اکتبر ۱۹۱۴ یا در حول و حوش این تاریخ سروده شده بود، و من در اوایل سال جدید نزد خود احساس شرمندگی می کردم که چرا تا همین حد از پیروزی دم زده ام که گفته ام دشمنان شکست خورده به سرزمین خود بازگشته اند - که البته موضوع اصلی بود که در شعر گنجانده شده بود. بنابراین، می توان گفت در زمانی کوتاه، من به یک مخالف واقعی اندیشه شکست دادن دشمنان دول مرکزی مبدل شدم.

چه چیزی سبب شد که مخالفت شما با جنگ صورت مشخص تری به خود بگیرد؟ در سال ۱۹۱۵ یا ۱۹۱۶ در این باره که چه وضعی پیش خواهد آمد، با پدرم گفتگوی مفصلی کردم. نکته اصلی این بود که من از سر کودکی اطمینان داشتم آنها که برحق اند پیروز می شوند - که البته اندیشه بسیار خامی بود. به هر حال، در اوایل سال ۱۹۱۵، پس از حمله به بلژیک، دریافتم که آلمانی ها برخی از عهدنامه ها را زیر پا گذارده اند، و این امر مراقب ساخت که طرف ما برحق نیست و بنابراین ما قطعاً می باید در جنگ شکست بخوریم.

کمی جلوتر برویم، آیا به یاد می آورید که نخستین بار در چه زمانی چیزی در مورد اندیشه های انقلاب اکبر شنیدید؟